

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی  
شود که تشریحاتش جواب گوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. بیدل کی بود و در کدام زمان می‌زیست؟
۲. مهمترین آثار او چه نام دارد؟
۳. چرا درک مفاهیم شعری او مشکل است؟ شما شعر او را چگونه  
ارزیابی می‌کنید؟

## ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی فرزند میرزا عبدالخالق در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در شهر عظیم آباد پتنه در هندوستان چشم به جهان گشود. نسبت او به قبیله «ارلاس» بدخشان افغانستان می‌رسد. خانواده او همه سپاهی پیشه و نظامی مسلک بودند. این که چه زمان، چرا و چگونه نیاکانش به سرزمین هند مهاجرت کرده بودند، نامعلوم و در پرده‌یی از ابهام است. «عبدالقادر» هنگامی که هنوز بیش از چهار و نیم سال نداشت پدرش را از دست داد و درسایه سرپرستی و تربیت کاکایش «میرزا قلندر» که خود از صوفیان باصفا بود مکتب و مدرسه را رها کرد و تحت آموزش معنوی وی قرار گرفت. او در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنایی لازم پیدا کرد؛ هم‌چنین در این راه از امداد و دستگیری «مولانا کمال» دوست و پیشوای معنوی پدر بهره‌ها برد.

«بیدل» هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود، پس از آن نزاع‌های خونین داخلی فروکش کرد و اورنگ‌زیب فرزند دیگر «شاه جهان» صاحب قدرت سیاسی در هند شد، بیدل همراه با مامای خود «میرزا ظریف» در سال ۱۰۷۱ به شهر «کتک» مرکز اوریسه به دیدار «شاه قاسم هواللهی» رفت و این سال از مهمترین وقایع زنده‌گی وی به شمار می‌رود. وی سه سال در اوریسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برد.

بیدل چهره‌یی خوشایند و جثه‌نیرومند داشت، فن کشتی را نیک می‌دانست و ورزش‌های طاقت‌فرسا از معمولی‌ترین فعالیت‌های جسمی او بود. در سال ۱۰۷۵ ه. ق. به دهلی رفت، هنگام اقامت در دهلی دایم‌الصوم بود و آن چنان که خود در چهارعنصر نقل کرده است، به سبب تزکیه‌ی درون و تحمل انواع ریاضت‌ها و مواظبت بر عبادات، درهای اشراق بر جان و دلش گشوده شده بود و مشاهدات روحانی به وی دست می‌داد، در سال ۱۰۷۶ ه. ق. با «شاه کابلی» آشنا شد، دیدار با شاه کابلی تأثیری عمیق بر او گذاشت. و در همین سال در فراق اولین مربی معنویتش میرزا قلندر به ماتم نشست، وی در سال ۱۰۷۸ ه. ق. سرایش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند. این مثنوی دریای عظیمی است لبریز از تأملات و حقایق عرفانی. دو سال بعد، مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد. تلاش معاش او را به خدمت در سپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاه استعفا داد. بیدل در سال ۱۰۹۶ ه. ق. به دهلی رفت و مقدمات یک زنده‌گی توأم با آرامش و عزلت را در دهلی فراهم کرد. زنده‌گی شاعر بزرگ در این سال‌ها به تأمل و تفکر و سرایش شعر گذشت و منزل او میعادگاه عاشقان، شاعران و اهل فکر و ذکر بود، در همین سال‌ها بود که بیدل به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت. با وجود تشنج و درگیری‌های سیاسی در بین سران سیاسی هند و شورش‌های منطقه‌یی و آشفته‌گی اوضاع، شاعر عارف تا آخرین روز زنده‌گی خود از تفکرات ناب عرفانی و آفرینش‌های هنری باز نماند. بیدل آخرین آیینۀ تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ ه. ق. به خاموشی گرایید.

## آثار بیدل

از بیدل به جز از دیوان غزلیاتش آثار ارزشمند دیگری نیز در دست است که بیشتر از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد که مهمترین آن‌ها قرار زیر است:

- ۱- مثنوی عرفان ۲- مثنوی محیط اعظم ۳- مثنوی رقعات ۴- مثنوی طلسم حیرت
- ۵- رباعیات ۶- چهارعنصر ۷- رقعات ۸- نکات ۹- طور معرفت و...

## زبان شعر بیدل

در شعر بیدل بار ادبی و معنایی کلمات به سرحد کمال خود رسیده است و همچنین موارد جدیدی نیز به آن افزوده شده و زبان نیز در عین ایجاز و در ظاهر اجمال است. به گونه‌یی که خواننده شعر او برای آن که فهم درستی از شعر وی داشته باشد، لازم است به اندازه کافی از سنت شعر دری مطلع و به اصول اساسی عرفان اسلامی آگاه باشد. شعر بیدل همچون جنگلی بزرگ و ناشناخته است که در اولین قدم به بیننده آن حس حیرت و شگفتی دست می‌دهد و چون پا به داخل آن می‌گذارد دچار غربت و اندوه و ترس می‌شود و در واقع مدتی طول می‌کشد تا با شاخ و برگ و انواع درختان و پرندگان و راه‌هایی که در آن است آشنا شود؛ اما چون مختصر انس و الفتی با آن پیدا می‌کند، به شور و اشتیاق در صدد کشف ناشناخته‌هایش بر می‌آید.

• بیدل شاعری است باتخیل تخلیقی، کشف روابط باریک در بین موضوعات گوناگون و طرح مسایل پیچیده عرفانی به شاعرانه‌ترین زبان، و همچنین نوآوری شاعر در مسایل زبانی و سبکی، دقتی ویژه و ذهنی ورزیده را از مخاطب برای فهم دقیق و درک لذت از شعر وی، طلب می‌کند.

• بیدل شاعری با حکمت و تفکر قدسی است. او غیر از غزلیاتش که هر یک آینه مجسم از شعر ناب اند، در مثنوی‌های «محیط اعظم»، «عرفان»، «طلسم حیرت»، «طور معرفت» به تبیین اندیشه‌های عرفانی خود پرداخته است. در میان این مثنوی‌ها دو مثنوی «محیط اعظم» و «عرفان» از قدر و شأن ویژه‌یی برخوردار اند، مثنوی محیط اعظم را شاعر در روزگار جوانی خود سروده است.

## ویژه‌گی‌های شعر بیدل

• از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» می‌توان به باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته، ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری توصیف طبیعت، بازی با کلمات و تکرار قافیه، تناقض و عرفان اشاره کرد. گرچه وی به نیکویی واقف است که زبان با تمام امکان‌ها و قابلیت‌هایش، هرگز تاب معانی بلند او را نمی‌آورد؛ چنان که خود می‌گوید:

ای بسا معنی که از نامحرمی‌های زبان با همه شوخی، مقیم پرده‌های راز ماند

- یکی دیگر از ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» آن است که اندیشه‌ها در لایه‌های متعدد و متنوع معنایی، پیچیده و پنهان شده است و فهم ابعاد شعر وی بدون توجه به این نکته امکان ناپذیر خواهد بود. شعر بیدل را باید بارها و بارها خواند؛ چرا که در هر بار خواندن معنایی دیگر را متجلی نموده و مشام مخاطب را از عطر شگفت و غریبی که گویی از بهار گم‌شده در پرده‌های غیب وزیده است سرشار می‌سازد.
- از خصوصیات دیگر و امتیاز شعر بیدل کثرت کاربرد ترکیبات بکر و تازه در آن است که برای درک درست از شعر او، ناگزیر باید با شیوه کاربرد ترکیبات وی مأنوس و آشنا بود، به عنوان نمونه در این بیت:

دلیل کاروان اشکم، آه سرد را مانم اثر پرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم  
ترکیب‌های «کاروان اشک» و «اثر پرداز داغ» ساخته ذهن و زبان آفرینش‌گر بیدل است.

### اندیشه‌های فلسفی بیدل

- از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد. برخلاف بسیاری از شاعران که به کاربرد ادبی و دو واژه اکتفا کرده اند، بیدل با چیره دستی و تسلط تمام بر معانی فلسفی و مباحث مرتبط با «عدم» و «هستی» به شرح و بسط شاعرانه و فیلسوفانه این مفاهیم پرداخته است.
- دو دیگر واژه حیرت به مثابه مفهوم عرفانی - فلسفی نقش و جایگاه مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد. یکی از نمادها و اصطلاحات متناظر با حیرت در شعر بیدل آینه است. او چندان به آینه و کاربرد آن در شعر خود الفت داشته که او را «شاعر آینه‌ها» نامیده اند؛ ترکیباتی از قبیل: آینه‌خانه، آب آینه، آینه‌خو، آینه‌گری آینه‌پرداز، آینه‌آغوش، آینه‌داری، جوهر آینه، صیقل آینه، خانه آینه، آینه حسن، غبار آینه، خیال آینه، تمثال آینه و... تنها بخشی از آینه‌پردازی‌های ادبی و فکری «بیدل» به شمار می‌رود.
- دیگر از واژه‌های پر کاربرد و کلیدی عرفانی - فلسفی در شعر بیدل واژه «هیچ» است. به طور کلی این واژه در نظریه‌های عرفانی، کاربرد معنایی دوگانه‌یی داشته

است: هیچ در معنای عدم یا نیستی و هیچ در پوچی و بیهوده‌گی. در معنای نخست، مفهوم «هیچ» مساوی است با نیستی سالک در نفس خویش و نیل به وجود مطلق؛ اما در دومین معنی، مفهوم «هیچ» با معانی و مفاهیمی از قبیل بی‌معنایی، پوچی محض و خلا مترادف می‌باشد. معنای دیگری که عارفان از این اصطلاح اراده کرده‌اند و خالی شدن از توهّمات «هست و نیست» و رهایی از تعلقات «نفس اماره» است که می‌توان آن را هیچ‌انگاری عرفانی نامید.

### نمونه کلام بیدل

پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد  
زیبات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد  
تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن  
چه رسد به حال آن کس که تران دیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد  
به چمن زخون بسمل همه جا بهار ناز است  
دم تیغ آن تبسم رگ گل بریده باشد  
دل ما نداشت چیزی که توان نمود صیدش  
سر زلفت از خجالت چقدر خمیده باشد  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشینده ایم جایی که کس آرمیده باشد  
همه کس سراغ مطلب به دری رساند و نازید  
من و ناز نیم‌جانی که به لب رسیده باشد  
به هزار پرده «بیدل» ز دهان بی‌نشانش  
سخنی شنیده ام من که کسی ندیده باشد

## تو ضمیمه

سالک: کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبتی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره: اماره به معنای بسیار امرکننده است و نفس اماره، یعنی نفسی که به لذت‌ها و شهوت جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشاند. روح انسانی را به اعتبار غلبه نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.



## بیاموزیم

۱. ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل بزرگ‌ترین شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی در سال ۱۰۵۴ هجری قمری در هندوستان چشم به جهان گشود.
۲. جز از دیوان غزلیات، آثار دیگری از بیدل نیز در دست است که بیش از نود هزار بیت را تشکیل می‌دهد.
۳. مهمترین آثار بیدل عبارتند از: طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، عرفان، رقعات، نکات و رباعیات.
۴. باریک‌اندیشی، خیال‌انگیزی، به کارگیری ترکیبات نو، تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان، بهره‌گیری از نمادها و تلمیحات، استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته ساده‌گی بیان و تازه‌گی زبان شعری، توصیف طبیعت، بازی با کلمه‌ها و تکرار قافیه از مهمترین ویژه‌گی‌های شعر «بیدل» است.
۵. بیدل آخرین آئینه تابان شعر عارفانه بود که نور وجودش در تاریخ چهارم صفر ۱۱۳۳ هـ.ق. به خاموشی گرایید.



## درست بنویسیم

• هرگاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود»، خویش، خویشتن» و ضمائر اضافی «تان، شان، مان» بیاید، در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه می‌شود؛ اما این «ی» به صورت مستقل نوشته شده، با واژه‌های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

- خود: بالای خود، کالای خود، آشنای خود.
- خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش.
- خویشتن: تنهای خویشتن، گیرای خویشتن، غم‌های خویشتن.
- تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان.
- شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان.
- مان: خدای مان، نوای مان، زیبای مان.
- اما اگر حرف پایانی واژه، «الف» باشد و در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی «-ت»، «-م» و «-ش» قرار گیرد، بازهم همان «ی» در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما «ی» باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ زیرا این‌ها ضمائر متصل اند و خاصیت شان پیوستن است، مانند:
- ت: کالایت، دستهایت، ادایت.
- ش: زیبایش، مامایش، بهایش.
- م: گپهایم، جایم، کتاب‌هایم.

### کار گروهی و سخنرانی

۱. چند تن از شاگردان به ترتیب در مورد زنده‌گی، آثار، ویژه‌گی‌های شعر، زبان شعر و اندیشه‌های فلسفی بیدل در مقابل صنف قرار گرفته و سخنرانی نمایند.
۲. چند تن از شاگردان، در مورد مفهوم بیت زیر سخنرانی کنند:  
چه بلندی و چه پستی چه عدم چه ملک هستی  
نشینده ایم جایی که کس آرمیده باشد

### املا و نگارش

۱. متنی را که معلم گرامی به خوانش می‌گیرد در کتابچه‌های تان املا کار کنید.
۲. بادر نظر داشت قواعد املائی که در بالا خواندید، واژه‌های کجا، میرزا، صفا و رها را در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک و واژه‌های مولانا، صفا و آشنا را در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی در جمله‌های مناسب به کار برده در کتابچه‌های خویش بنویسید.

## خود آزمایی

۱. سه ویژه گی عمده شعر بیدل را بیان کنید.
۲. به نظر شما کدام شاعر دیگر می تواند با «بیدل» برابری کند؟ به چه دلیل؟
۳. واژه های «هستی» و «عدم» چه جایگاهی را در شعر «بیدل» احراز کرده اند؟
۴. برای باریک اندیشی، خیال انگیزی و ترکیبات نو در شعر بیدل یک - یک مثال بیاورید.
۵. هر گاه حرف پایانی واژه، «الف» باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک «خود، خویش، خویشان» چگونه نوشته می شود؟ با ارائه مثالها واضح سازید.

## کارخانه گی

۱. معنی، مفهوم و شرح ابیات زیر را در کتابچه های خویش نوشته و دو ترکیب تازه کلمات را از میان همین ابیات استخراج نمایید؛ همچنان این بیتها را حفظ نمایید:  
تب و تاب موج باید زغرور بحر دیدن  
چه رسد به حالم آن کس که ترا ندیده باشد  
به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم  
دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد
۲. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.